

قرآن و پاسخ‌گویی به دغدغه‌های نسل حاضر

□ گفت‌وگو با حجة الاسلام محمدعلی مهدوی راد



آموزه‌های قرآنی را در سطوح مختلف و لایه‌های گوناگون اجتماع بگسترانیم. نخستین قدم از سوی قرآن‌پژوهان و با بیان مسائل مرتبط به قرآن و مؤسسات - در سطح‌های گوناگون - عرضه معارف قرآن است. یعنی اگر بنا باشد که معارف و آموزه‌های قرآنی و مطالعات قرآنی، در تمام سطوح جامعه گسترش یابد و زوایای مختلف جامعه را دربرآید، لازمه‌اش این است که آن اثر هنری یا مکتوب یا هر آنچه که این آموزه را عرضه می‌کند، با زبان و بیانی متفاوت عرضه شود؛ به عبارتی نشریات قرآنی را به زبان نوجوان، کودک و جوانی تا نشریات عالمانه و در سطح عالی و همچنین تفسیرها، کتاب‌های علوم قرآنی و بحث‌ها به صورت نوآمد عرضه شوند. لازمه این کار، شناخت درست مخاطب در کوتاه مدت، در فضای مخاطب سخن گفتن و معارف را با توجه به سطوح مختلف و لایه‌های گوناگون اجتماع، طرح و عرضه کردن، گستراندن معارف قرآنی به تمام بخش‌های جامعه خواهد بود.

● به نظر جناب عالی در حوزه‌های مختلف پژوهشی - قرآنی و حوزوی و دانشگاهی در حال حاضر چه موضوعاتی در اولویت قرار دارند؟

○ با قید دانشگاهی و حوزوی، به نظر من بحث‌های تفسیری جدی و بحث‌های علوم قرآنی - با رویکرد پاسخ به پرسش‌های مختلفی که در ذهن و زبان این سطح از جامعه، به ویژه دانشجو مطرح است - ضرورت اولیه دارد. بحث‌های علوم قرآنی اصطلاحاً به سلسله موضوعاتی گفته می‌شوند که مباحث کلی مرتبط با قرآن را تحلیل، ارزیابی و تنقیح کند. در این گونه بحث‌ها، به صورت طبیعی، مباحثی ضرورت دارد که پرسؤال‌ترین صحنه این بحث را به خود می‌گیرد و برای نسل امروز دغدغه‌آمیزتر است. یکی از اهم مباحث ذهن جستجوگر و پردغدغه

اشاره:

حجت‌الاسلام محمدعلی مهدوی راد، متولد ۱۳۳۴ش در نیشابور و تحصیل کرده حوزه علمیه مشهد و قم، سال‌هاست که در علوم قرآنی، به تحقیق مشغول است. وی مقالات بسیاری را در نشریات حوزه دین و علوم قرآنی به چاپ رسانده است. مهم‌ترین اثر ایشان، تألیف سیر نگارش‌های علوم قرآنی در سال ۱۳۷۹ش است. استاد مهدوی راد در پنجمین دوره معرفی خادمان برگزیده قرآن، به عنوان یکی از خادمان برگزیده انتخاب گردید. وی هم‌اینک در حوزه علمیه قم و چندین دانشگاه در قم و تهران به تدریس علوم قرآن اشتغال دارد. در حاشیه شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، فرصتی دست داد تا با آقای مهدوی راد گفت‌وگوی نسبتاً کوتاهی کنیم. در این گفت‌وگو بیشتر به مباحث پژوهشی و زمینه‌های تحقیقات و مطالعات قرآنی در داخل و خارج از کشور پرداخته ایم. متن این گفت‌وگو از نظر گرامی‌تان می‌گذرد.

● چنان که مستحضرید یکی از مباحث توسعه و ترویج علوم و فرهنگ قرآنی، چگونگی ارائه این معارف غنی است. به نظر جناب عالی برای این منظور، چگونه در این مسیر گام برداریم تا بتوانیم هم با شیوه روز و هم با زبان امروزی به سمت اهداف متعالی حرکت کنیم؟

○ به نظر من، مطالعات، پژوهش‌ها و رویکرد به معارف و آموزه‌های قرآنی، در سال‌های اخیر از رشد و تکامل قابل توجهی برخوردار بوده است؛ شایسته است این رویکرد مبارک و این مواجهه هوشمندانه نسل حاضر به معارف قرآن و



**اگر بنا باشد که معارف و
آموزه‌های قرآنی و مطالعات
قرآنی، در تمام سطوح
جامعه گسترش یابد و
زوایای مختلف جامعه را در
یابد، لازمه‌اش این است که
آن اثر هنری یا مکتوب یا هر
آنچه که این آموزه را عرضه
می‌کند، با زبان و بیانی
متفاوت عرضه شود**

نموده‌ام و به نکات جدیدی هم
رسیده‌ام؛ مثلاً در تاریخ قرآن به این
نتیجه رسیده‌ام که در تمام کتاب‌های
علوم قرآنی از زمان شیخ مفید -
رضوان الله تعالی علیه - تاکنون مطرح
بوده که مصحف حضرت علی(ع)
براساس نزول بوده است، در حالی که
این بحث درست نیست و من اجمال
آن را نوشته‌ام.

**● این ادعای شما از طریق مدارک و منابع هم قابل
اثبات است یا صرفاً با دلایل عقلی به چنین نتیجه‌ای
رسیده‌اید؟**

○ خیر، عقلی صرف نبوده؛ این مسئله کاملاً تاریخی
است و باید منابع آن هم کاملاً تاریخی باشد و استدلال‌های
عقلانی هم باید در پشت این منابع و مستندات تاریخی قرار
بگیرد. این موضوع را در مقاله مفصل «علی پیشوای
مفسران» به اجمال نوشته‌ام.

در پژوهش‌های قرآنی هم یک تهافت قولی مطرح
است که پیامبر در شب ۲۷ رجب به رسالت مبعوث شده‌اند
ولی آن شب آیه‌ای نازل نشده است. عالمانی چون شیخ
مفید یا ابن شهر آشوب یا سیدمرتضی و دیگران معتقد
بوده‌اند که قرآن نزول دفعی ندارد، و فقط نزول تدریجی
دارد؛ اگر چنین باشد، با توجه به «انا انزلنا فی لیلة القدر» آغاز
نزول قرآن از لیلة القدر بوده است.

**● پس آیاتی که در شب بعثت نازل شده چگونه
توجیه می‌شوند؟**

○ ما به این نتیجه رسیده‌ایم که در شب ۲۷ رجب
آیه‌ای نازل شده و فقط پیامبر به رسالت مبعوث شده، ولی
نزول قرآن از شب قدر شروع شده است.
مثال دیگر اینکه، تمام عالمان، علی‌الاطلاق سنی و
شیعه معتقدند که پنج آیه اول سوره علق، نخستین آیات
نازله بر پیغمبر اکرم(ص) است. سؤال ما این بوده که: پس
بسم‌الله کجا رفت؟ قریب به اتفاق عالمان اهل سنت بسم
الله الرحمن الرحیم را جزو سوره نمی‌دانند؛ لذا آنان درباره
«بسم‌الله...» مشکلی ندارند و می‌گویند این پنج آیه اول
سوره علق، آیات آغازین نزول قرآن است و بسم‌الله هم باید
تیمناً و تبرکاً در آغاز باشد. اما عالمان شیعه معتقدند، بسم‌الله

دانشجوی متدین امروز، این است که
قرآن کریم با آموزه‌هایی که در ۱۴۰۰
سال و اندی قبل مخاطبانی داشته،
امروز با من چگونه مواجهه می‌کند یا
به تعبیر درست‌تر، من چگونه با او
مواجهه کنم.

کمی فراتر برویم، بحث‌ها
آکادمیک‌تر می‌شود. مسائل مختلفی
درباره وحی و چگونگی تلقی آن از
سوی پیامبر اسلام مطرح است و طرح این مباحث، صورت
بشری و شکل مکتوب گرفته است.

نخستین گام قرآن‌پژوهان در این مسیر آن است که اول
سؤال‌ها و دغدغه‌ها را شناسایی کنند و بعد آنچه را که از
قرآن و با توجه به قرآن می‌توانند جواب دهند، پاسخ‌یابی
کنند.

**● شیوه آموزش قرآن در مدارس و دانشگاه‌ها را
چگونه ارزیابی می‌کنید؟ راهکارهای مناسب و
پیشنهادی شما در این باره چیست؟**

○ بنده، پیش از این، در جلسات رایزنی چگونگی طرح
قرآن در دانشگاه عرض کرده‌ام که برای دانشجویانی که
بویژه در رشته‌هایی غیر از علوم اسلامی تحصیل می‌کنند،
باید وجه زندگی‌ساز، شورانگیز، و حرکت‌آفرین قرآن مطرح
شود، این نسل در این مرحله از زندگی، مشغول مطالعات
فیزیکی، پزشکی و مهندسی است. این بحث‌های آکادمیک
علمی و جنجالی، فرصت رشته‌های قرآنی و انسانی را ندارد.
باید برای این نسل، با این اشتغال، خدای قرآن، پیامبر قرآنی،
امامت قرآن، معارف قرآن، وجه زندگی‌آفرین و زندگی‌ساز
قرآن با بیان و مبانی مورد پسند و جذاب عرضه شود.

**● استاد! حال که بحث از مباحث آموزشی و
دانشگاهی شد لطفاً راجع به فعالیت‌های آموزشی و
پژوهشی خودتان توضیحاتی بفرمایید.**

○ من در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه
تربیت مدرس تهران، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد،
دانشکده اصول دین قم و مرکز تربیت مدرس قم تدریس
می‌کنم، ضمن اینکه متن‌ها را چه برای کارشناسی ارشد و
چه در مقطع دکتری شخصاً نوشته‌ام و درس می‌دهم.
در تمام مباحثی که تدوین کرده‌ام نکات تازه‌ای را مطرح



بدون هیچ گزافه‌گویی
مدعی‌ام که مطالعات
قرآن‌شناسانه و
پژوهش‌های قرآنی داخل
ایران، در برخی موارد،
بسیار دقیق‌تر، عمیق‌تر،
روزآمدتر و زنده‌تر از
کشورهای عربی است.

جزء سوره است و ما با تحقیق به نتیجه رسیده‌ایم که شش آیه اول سوره علق نخستین آیات نازل شده است و نه پنج آیه؛ ۳ روایت هم برای این مطلب آورده‌ایم که یکی صریح است و دوتای دیگر هم به نحوی، این موضوع را به اثبات می‌رساند.

○ چه به لحاظ ترجمه، چه به لحاظ تألیف و چه به لحاظ رویکرد مؤلفان، این نکته را قبول دارم، اما بیشتر این نوشته‌ها یا سخن جدید ندارند و یا کم دارند. یک نوشته یا باید پردازش نو آیین داشته باشد، یا محتوای تازه؛ ضمن اینکه بسیاری از مطالعات قرآنی زبان فارسی، از نداشتن ادبیات فاخر، دقیق، اساسی و به تعبیری «معیار» رنج می‌برند. متأسفانه آثار مکتوب حوزه دین، از نثر و ادبیات فاخری برخوردار نیستند.

قرآن بلیغ‌ترین سخنی است که در روی زمین به گوش بشر رسیده، آثاری که درباره این کلام بلیغ و فاخر و فخیم گفته می‌شود، باید سخنی فاخر، بلیغ، اصیل و استوار باشد. اما نکته سومی که مطالعات قرآنی ما از آن رنج می‌برند، کم مطالعه کردن پدیدآورندگان این آثار است که یا نیمی از منابع لازم را مطالعه نکرده‌اند، یا کاوش و تحقیق و ارزیابی در مطالعه همه منابع را نداشته‌اند. همه منابع، منابع مستقیم نیستند؛ مطالعات قرآنی بخش قابل توجهی در مفاهیم و مخصوصاً در سیره است. بسیاری از نویسندگان ما از این دو منبع بسیار عظیم، در تنقیح و تنظیم و عرضه مطالبشان غافلند البته در کنار آنها از کارهای بجا و شایسته هم باید تقدیر و تشکر کنیم.

● با توجه به نیاز جامعه، چه موضوعات اجتماعی در اولویت تحقیق محافل قرآنی قرار دارند؟

○ به نظر من «هدایت‌آفرینی» در رأس قرار دارد. از آن جهت که قرآن خود را کتاب هدایت نامیده و بیشترین رسالت و مسئولیتی که برای خودش قائل شده، انسان‌سازی و آنگاه جامعه‌سازی است، وجه هدایت‌آفرینی - به بیان و بنان عالمان - از یک سو در صفحه ذهن و در صحنه زندگی انسان‌هاست و از سوی دیگر، مغفول مانده است. ضروری‌ترین و لازم‌ترین بحث از مباحث قرآنی برای توجه عموم، وجه زندگی‌سازی و فرهنگ‌آفرینی و هدایت‌گری قرآن است، نسبت به بحث‌های علمی و آکادمیک که مخاطبانش از درصد کمتری برخوردارند.

● با تشکر از جناب عالی به خاطر حضور در این گفت‌وگو.

● در مقایسه و ارزیابی اجمالی
میان نگارش‌های قرآنی در داخل و خارج کشور،
کدامیک توفیق بیشتری یافته‌اند و از نظر نوآوری و
پردازش مباحث جدید کدام موفق‌تر عمل کرده‌اند؟

○ کاملاً مشخص است که به لحاظ کمی، مطالعات و پژوهش‌های قرآنی در خارج از ایران، گسترده‌تر از داخل ایران است، زیرا حوزه جغرافیایی کشورهای پرشماری را دربرمی‌گیرد و در سنجش با کشور ما، از نیروی انسانی بیشتری هم برخوردارند. در یک مقایسه اجمالی بر مبنای یک مقاله‌شناسی درباره اعجاز، به این نتیجه رسیدیم که از صدمقاله، هشتاد مقاله از کشورهای عربی و به زبان عربی بوده و حدود ۲۰ درصد داخلی بوده است. اما بدون هیچ گزافه‌گویی مدعی‌ام که مطالعات قرآن‌شناسانه و پژوهش‌های قرآنی داخل ایران، در برخی موارد، بسیار دقیق‌تر، عمیق‌تر، روزآمدتر و زنده‌تر از کشورهای عربی است. این نکته را آقای نصر حامد ابوزید در مصاحبه‌ای به صراحت تأکید کرده بود که «از جمله بدبختی‌های ما عرب‌زبان‌ها این است که چون فارسی نمی‌دانیم، نتیجه مطالعات و پژوهش‌های برادران مسلمان ایرانی را نمی‌توانیم به درستی تلقی کنیم».

وقتی خودم بعضی از مطالعات و تحقیقات ایرانی را به یکی از استادان برجسته و پژوهشگر شایسته علوم قرآنی در اردن فرستادم، از اهمیت و دقت و نکاتی که در آنها بود، تعجب کرد. معتقدم مطالعات ایرانی به لحاظ کیفی - در بخش‌هایی - قوی‌تر و عمیق‌تر است، در بخش‌هایی هم پهلومی‌زند اما به لحاظ کمی محدودتر است.

● مفسران نشر کتاب‌های قرآنی و مذهبی در ایران، نسبت به سایر کتاب‌ها بیشتر است. ارزیابی شما از این کتاب‌ها چیست و محاسن و معایب آنها را در چه می‌بینید؟!

